

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نذیر دلسوز  
۱۸ دسمبر ۲۰۱۶

## گپ کوتاه و فشرده در مورد سیر نفوذ اطلاعاتی های ایران در افغانستان!

نفوذ اطلاعاتی های ایران را در افغانستان طی سه دوره دیده می توانیم.

دوره قبل از کودتای ننگین ۷ ثور ۵۷ خلق و پرچم که به مجوز شوروی صورت گرفت : ایران زمان شاه که خود دست نشاندۀ امپریالیزم امریکا بود) و ساواک وی توسط سازمان " سیا " و اطلاعات انگلیس MI6 ساخته شده بود در افغانستان آن شتاب و هجوم کنونی (کانال سازی جاسوسان نفوذی) اش را نداشت . دولت آن زمان ایران هرازگاهی از طریق ساواک عواملش را در نقش های مختلف (از جمله نمایندگی هواپیمائی ملی ایران "هما" در کابل که به جذب کارمندان افغان می پرداخت - از جمله جوانی به اسم " حفیظ " باشندۀ چندوال کابل) به افغانستان می فرستاد . تا کنون نه شنیده و نه خوانده ام که عضو ساواک افغان تبار ایران آنوقت در کابینه دولت ظاهرشاه و یا در کابینه داوود خان نفوذ کرده باشد چون که روسها آنان را از طریق عوامل شان - توده ئی ها در ساواک - شناسائی کرده مانع حضور شان در کابینه ظاهر - داوود می شدند. در رگه ها و رده های سلسله مراتب پائینی دولت های این دو (ظاهر - داوود) نمی توانست که عده ای نفوذی ایران وجود نداشته باشد.

در حزب خلق فرکسیون بیرک کارمل میهن فروش فقط یک تن ساواکی افغان تبار وجود داشت که توسط توده ئی های ایران کشف و به کارمل اطلاع داده شد بود . این ساواکی «خلیل زمر» (پرچمی کهنه پیخ و معروف) بود که به امر مستقیم کارمل بعد از کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ به زندان پلچرخ انتقال داده شد و سالها در زندان ماند . از پروکرات ها یکی سید مخدوم رهین (پرچمی مخفی) بود که دوره ماستری و دکترای خود را در بخش ادبیات دری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ به دست آورد و در همین دوره به ساواک پیوست . بعداً به سمت استاد در پوهنتون کابل ایفای وظیفه کرد. پس از آن به حیث رئیس اداره فرهنگ و هنر وزارت اطلاعات و کلتور مصروف کار شد . در دوره جنایتکاران جهادی هم پست های کلیدی به وی سپرده شد و در دولت دست نشاندۀ کرزی هم پست وزارت به وی تفویض گردید و بعداً سفیر هند مقرر شد .

دوره دوم نفوذ جواسیس و کانال سازی اطلاعاتی ایران در دوران جنگ مقاومت با قوای سوسیال امپریالیزم شوروی بود: نفوذ ایران در افغانستان طی سالهای اشغال افغانستان توسط امپریالیزم جهانی ماه به ماه و سال به سال بیشتر شده

و در رده دوم بعد از نفوذ پاکستان در افغانستان گراف سعودی اش را پیموده است. سرباند های حزب وحدت در اصل همه محصول و دستاورد های اطلاعات آخوند های ایران (واواک) بودند. مزاری و محقق و خلیلی و... نمونه های برجسته این نفوذ می باشند. زمینه بسیار وسیع الساحة نفوذ واواک پناهندگان افغانستان در شهر های ایران بوده اند.

**دوره سوم کاتال سازی اطلاعات (واواک) آخوند های فرومایه ایران در افغانستان را در سالهای اشغال افغانستان توسط امپریالیسم جهانی به سربندی امپریالیسم جنایتگستر و غارتگر امریکا مشاهده کرده می توانیم:** در این دوره منحوس واواک ایران تا جایی که برایش مقدور بود جاسوسانش را به عناوین مختلف به افغانستان فرستاد که در میان اقشار و طبقات مردم نفوذ کرده در گام نخست خمینی پلید را برای مردم شریف تشیع تقدیس نمودند و وی را رهبر جهانی این مذهب خواندند و تضاد سنی و شیعه را تا توانستند دامن زدند (همانطوری که جواسیس پاکستان و عرب سعودی آتش این نفاق را به گونه دیگر دامن زدند و می زدند)؛ هکذا امداد های صد ها میلیون دلاری ایران روی اهداف خاص در قالب مدرسه های دینی و ساختمان مساجد و مدارس و تکایا با صرف و هزینه دهها میلیون دالر و گرد آوری کودکان و نوجوانان در این مدارس و... و سمت و سو دادن آنان برای خدمت به رژیم ضد تمدن خامنه ای و اعزام آنان (قبلاً به جنگ با عراق) هم اکنون به سوریه و حضور جواسیس ایران در درون کابینه دولت دست نشانده و شورای نام نهادش که چندی پیش توسط این قلم یک تن از اعضای اطلاعات ایران به نام «صبرینا جان ثاقب» در پر خواننده ترین پورتال افغان ها («افغانستان آزاد - آزاد افغانستان») و همین صفحات فیسبوک برای نخستین بار افشاء و برملاء گردید؛ می باشد.

مزید بر وابستگی های مذهبی و داد و ستد مالی و ورود کالا های ایرانی به کشور، انتقال اموال از راه «چاه بهار» ایران، اگر از یک سو افغانستان را از بند نخره و ناز و تهدید پاکستان (بخوان چنلستان) رهانید؛ از سوی دیگر در چنبره شعبده بازان ایران قرار داده که این خود (ماهیتاً) نوعی وابستگی ورود و صدور کالای تجارتي را تداعی می کند. یا به بیان رساتر آونگ شدن به تار خام بندر «چاه بهار» که خود حربه ای است در دست ایران؛ چون راه های ترانزیتی پاکستان.

تسویه و پاکسازی جواسیس نفوذی کشورهای نیدخل در امور افغانستان، کاری است که جز یک انقلاب مردمی هیچ قدرتی دیگر قادر نیست که بتواند تار های عنکوتی این کشور ها و تمام کشور های غربی را یکسره از کشور بروید و افغانستان را از وجود ناپاک آنان پاک و تمیز نماید. بر همگان معلوم است که یکی از پلید ترین رژیم های اسلامی در تاریخ اسلام، رژیم جمهوری اسلامی ایران وابسته به امپریالیسم است. فقط دو رژیم دیگر (پاکستان و عرب سعودی) بدتر از آن بوده می توانند.

رژیم ضد ملی، ضد ارزشهای عالی انسانی، ضد زن، ضد علم و تا مغز استخوان فاسد و مزدور امپریالیسم (رژیم خمینی - خامه ای) همانند هر پدیده دیگر در جهان آغاز و انجامی دارد. حیات ننگین اخوندان مفلوک و منفور و ضد بشری ایران هم به سر رسیده است که با خلق ایران و خلق افغانستان در خاک ایران و افغانستان چنان می کنند که نمونه های آن را به جز اوج استیلا فاشیسم در المان، در جای دیگری نمی توان سراغ گرفت.

مرگ بر رژیم ایران وابسته به امپریالیسم!

دلسوز - ۱۷ دسمبر ۲۰۱۶